



صوت؛ یک شب واقعاً زنده باشیم/ زمان در ساحت انسان

شب خودمان را زنده نگه داریم یعنی خودمان...

شب خودمان را زنده نگه داریم یعنی خودمان یک شب واقعاً زنده باشیم، واقعاً زنده زندگی کنیم نه اینکه مرده زندگی کنیم. به گزارش خبرگزاری مهر، صوت پیش رو سخنی از شهید استاد مطهری است که به مناسبت شب قدر با محوریت «احیاء» و بحث «زمان» در ساحت انسان ارائه می شود.

من بحث خودم را از همین کلمه «احیاء» شروع می کنم که عرض کردم احیاء یعنی زنده کردن، نقطه مقابل «اماته» که به معنی میراندن است. این کلمه چنین می رساند که شب - که قسمتی از وقت انسان است - دو حالت دارد: ممکن است شب کسی زنده باشد و ممکن است شب او مرده باشد. شب زنده آن شبی است که انسان تمام یا لاقلاً پاسی از آن شب را با یاد خدا و با مناجات و راز و نیاز با ذات پروردگار به سر ببرد، و شب مرده آن شبی است که انسان تمام آن شب را با غفلت و فراموشی ذات مقدس پروردگار بسر ببرد. ممکن است کسی خیال کند که این تعبیر یک تعبیر مجازی است، یک نوع تعارف است: شب که زنده و مرده ندارد، شب بالاخره شب است، زمان است. مقداری از زمان که این نیمکره زمین که ما در روی آن زندگی می کنیم مواجه با خورشید نیست و نور خورشید نمی تابد، به آن می گویند «شب».

شب به هر حال شب است؛ شب نه زندگی دارد و نه مردگی. این سخن راست است ولی آن کسی که می گوید احیاء، شب را زنده نگه داشتن، مقصودش این نیست که این قطعه زمان را شما زنده نگه دارید؛ مقصود زنده نگه داشتن خود شماست در این قطعه از زمان. به عبارت دقیق تر، برخلاف آنچه که ابتدائاً تصور می شود، ما خیال می کنیم زمان یک چیز است که همه ما در داخل آن قرار گرفته ایم؛ در صورتی که این جور نیست. آن زمانی که فکر می کنیم همه در داخل آن قرار گرفته ایم آن زمان ما نیست. زمانی که ما روی آن حساب می کنیم، ساعات و دقیق و هفته ها و ماهها و سالها را حساب می کنیم، آن، زمان ما نیست، زمان این زمین است.

زمان ما یک حقیقتی است متحد با وجود خود ما، جزء وجود ماست. زمان ما، زمان وجود ما از خود ما منفک و جدا نیست؛ چیزی که هست ما این زمان را که مقدار و اندازه دارد با زمان زمین حساب می کنیم، با آن تطبیق می کنیم، بعد خیال می کنیم زمان یک چیز است و همه ما در آن قرار گرفته ایم. نه، زمان من یک چیز است، زمان شما یک چیز دیگر است یعنی مخصوص خودتان است؛ همین طور که قد شما که مثلاً صد و شصت سانتیمتر است، این کمیت و مقدار مال شماست و قد من که صد و هشتاد سانتیمتر است، کمیت و مقداری است مخصوص من. شما یک قد و یک اندازه دارید، من هم یک قد و یک اندازه مخصوص به خود. (حالا اینها برابر با یکدیگر باشند یا نباشند مطلب جداگانه ای است.) شما چون وجودتان یک وجود متحرک و سیال و متغیر است، یک زمان در درون خودتان دارید، من هم یک زمان در درون خودم دارم، آن گل هم یک زمان در درون خودش دارد، آن درخت هم یک زمان در درون خودش دارد، این سنگ هم یک زمان در درون خودش دارد؛ و زمانی که در درون هر چیزی هست عین وجود آن چیز است.

حال که این مطلب را دانستیم معنی احیاء شب قدر را می دانیم. زمان را زنده نگه داریم یعنی زمان خودمان را زنده نگه داریم، هر کداممان آن زمانی را که در درون ماست زنده نگه داریم. آن زمانی که در درون ماست چیست؟ آن همان خود ما هستیم، از حقیقت ما جدا نیست. پس زمان خودمان را، شب خودمان را زنده نگه داریم یعنی خودمان یک شب واقعاً زنده باشیم، واقعاً زنده زندگی کنیم نه اینکه مرده زندگی کنیم. در اخبار و احادیث وارد شده است که در روز قیامت، گذشته انسان و زمان گذشته انسان را به انسان ارائه می دهند و انسانها مختلف می بینند؛ وقتی نگاه می کنند یک موجودی را می بینند که قطعاتی از آن سیاه و تیره است و قطعاتی از آن سفید و درخشان، به اختلاف. یک نفر می بیند بیشتر این قطعات تیره است، دیگری می بیند بیشتر این قطعات سفید و براق است. یکی ممکن است در تمام اینها چند نقطه سیاه ببیند، همه را سفید ببیند، و دیگری برعکس چند نقطه سفید ببیند و همه را سیاه ببیند. تعجب می کند: این چیست که به او ارائه داده اند؟! می گویند این زمان توست، این عمر توست. آن ساعاتی که این زمان را، این عمر را روشن و نورانی نگه داشته ای، آن ساعاتی که پروازی داشته ای، شوری داشته ای، عشقی داشته ای، دلت به یاد خدایت زنده بوده است، آن ساعات همان ساعات درخشان نورانی است. آن ساعاتی که در آن ساعات خدمتی کرده ای، کار مفیدی انجام داده ای، ساعات نورانی توست. و اما آن ساعاتی که در آن ساعات غافل بوده ای، غرق در شهوات بوده ای، برخلاف رضای خدا قدم برداشته ای، آنها دوران تیرگی و تاریکی عمر توست. این زمان توست، این عمر توست.

لطفاً صبر کنید ...

<form/>